

**The position of surrogate transaction in international documents
with a comparative study in the politics and law of Iran, England
and France**

Hadi Roosta¹

Received: 16 April 2023

Syed Jafar Hashemi Bajgani²

Reception: 24 May2023

Amir Mohammad Sediqian ³

Abstract

One of the methods for the calculation of the damages caused by violation of contractual obligations is to conduct a “substitute transaction” as a substitution for the violated contract. Article 75 CISG, Article 5, 4, 7 PICC, and Article 9-506 PECL, have accepted it and whereby the damaged person can conduct a substitute transaction after the violation and receive the difference between the initial contract price and the substitute transaction price as compensation. In the law of England, substitute transaction which is the result of the dissolution of the original contract is considered authorized and valid but in the law of France, this type of contract is not clearly stated although the soul of the regulations governing the country complies with this subject. The present article, with a descriptive-analytical method, reviews substitute transactions and the conditions for conducting them. The question raised in the article is that whether this method calculation is applicable in Iranian law. In the legal system of Iran, substitute transaction is not predicted but it seems that according to the legal regulations of Iran including Articles 222 and 238 of Civil Code and Article 47 of Civil Judgments Enforcement Act, and also the court power under Article 3 of Civil Responsibility Law, substitute transaction in the legal system of Iran could be accepted and applied.

Keywords: Damage Calculation, Substitute Transaction, Violation, Damaged Party

1 PhD student in private law, Maybod branch, Islamic Azad University, Maybod, Iran.

2Assistant Professor Department of Law, Maybod Branch, Islamic Azad University, Maybod, Iran (corresponding author).

3Assistant Professor Department of Law, Maybod Branch, Islamic Azad University, Maybod, Iran.

موقعیت معامله جانشین در اسناد بین المللی با مطالعه تطبیقی در سیاست و حقوق ایران، انگلیس و فرانسه

هادی روستا^۱ تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۷

سید جعفر هاشمی باجگانی^۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۰۳

امیر محمد صدیقیان^۳

چکیده

یکی از شیوه های برآورد خسارت برآمده از نقض تعهدات قراردادی، انجام «معامله جانشین» به عنوان بدل قرارداد نقض شده است که ماده ۷۵ کنوانسیون بیع بین المللی کالا، ماده ۴-۵-۷ اصول قراردادهای تجاری بین المللی و ماده ۵۰۶-۹ اصول حقوق قراردادهای اروپا آن را مورد پذیرش قرار داده اند که به موجب آن شخص متضرر می تواند پس از نقض قرارداد معامله جانشین انجام دهد و مابه التفاوت قیمت قرارداد اولیه و قیمت معامله جانشین را به عنوان خسارت دریافت غنماید. در حقوق انگلیس معامله جانشین که نتیجه ی انحلال قرارداد اصلی است مجاز شمرده شده ولی در قوانین فرانسه این نوع معامله به صراحت بیان نشده هرچند که روح مقررات حاکم بر این کشور با این موضوع سازگاری دارد. مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی، معامله جانشین و شرایط انجام آن را ترسیم کرده است و سوالی که مطرح می شود این است که آیا این روش برآورد در حقوق ایران هم قابلیت اجرا دارد؟ در نظام حقوقی ایران انجام معامله جانشین در هیچ نصی پیش بینی نشده است اما به نظر می رسد مطابق مقررات قانونی ایران از جمله ماده ۲۲۲ و ۲۳۸ قانون مدنی و ماده ۴۷ قانون اجرای احکام مدنی و همچنین اختیار دادگاه به موجب ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی بتوان قائل به پذیرش و اعمال معامله جانشین در نظام حقوقی ایران بود.

واژگان کلیدی: محاسبه خسارت، معامله جانشین، نقض قرارداد، زیان دیده

^۱ دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد میبد، دانشگاه آزاد اسلامی، میبد، ایران.

hadiroosta60@gmail.com

^۲ استادیار گروه حقوق، واحد میبد، دانشگاه آزاد اسلامی، میبد، ایران (نویسنده مسئول). sjafarhashemi@gmail.com

^۳ استادیار گروه حقوق، واحد میبد، دانشگاه آزاد اسلامی، میبد، ایران. asediqian@yahoo.com

موضوع نظام دهی معاملات بین المللی و ایجاد وحدت حقوق خصوصی، همواره دغدغه حقوقدانان بوده و در راستای تحقق این هدف تلاش های فراوانی در سطح جامعه جهانی صورت گرفته از جمله فعالیت های موسسه بین المللی یکنواخت کردن حقوق خصوصی (۱) که همچون یک سازمان بین دولتی تحت نظارت جامعه ملل فعالیت می کند، تدوین اصول قراردادهای تجاری بین المللی (۲) است. این اصول شامل قواعد مهم و ارزشمندی تحت عنوان قواعد عمومی معاملات می باشد. بعلاوه، کنوانسیون بیع بین المللی کالا (۳) که زیر نظر سازمان ملل متحد می باشد، به صورت برجسته ترین سند بین المللی در حوزه حقوق قراردادها شناخته می شود. سرانجام، اصول حقوق قراردادهای اروپا (۴) که بوسیله کمیسیون حقوق قراردادهای اروپا و با همکاری گروهی از حقوقدانان کشورهای عضو اتحادیه اروپا گردآوری شده اند، به منظور یکپارچه سازی ساختار حقوق قراردادها ایجاد گردیده اند. این سه سند به عنوان منابع بین المللی در زمینه قراردادها مورد توجه قرار می گیرند.

در این پژوهش، مواد قانونی این اسناد بین المللی که به انجام معامله جانشین به عنوان یکی از روش های محاسبه خسارت ناشی از نقض تعهدات قراردادی اشاره دارند، به همراه شرایط لازم برای انجام آن بررسی می شود. بنابراین، به طور خلاصه می توان گفت که بر اساس مقررات قانونی موجود در این اسناد بین المللی، شخص زیان دیده از نقض قرارداد باید با رعایت شرایط مشخص شده و با انجام یک معامله متعارف، در مدت زمان معقول و با حسن نیت اقدام به انجام معامله جانشین کند. در این صورت، وی می تواند تفاوت قیمت قرارداد اولیه و معامله جانشین را به عنوان خسارت از شخص نقض کننده قرارداد مطالبه نماید. اما اگر وی از این روش استفاده نکند یا شرایط لازم برای انجام معامله جانشین را رعایت نکند، می تواند به روش های دیگری برای محاسبه و مطالبه خسارت رجوع نماید. موضع کشورهایمانند انگلیس و فرانسه در خصوص معامله جانشین و اینکه آیا قوانین و مقررات ایران انجام چنین معامله ای را تجویز می کند مساله ای است که بدان پرداخته شده و مطالعه تطبیقی معامله جانشین در چند نظام حقوقی از جمله ایران به ما نشان داده که قانونگذار کشور ما حکم صریحی در این خصوص ندارد اما در قالب های مختلف دیگر امکان محاسبه و مطالبه خسارت بر اساس اوضاع و احوال و شرایط حاکم بر رابطه ی قراردادی طرفین وجود دارد و لذا قابلیت پذیرش و اعمال معامله جانشین در نظام حقوقی ایران میسر است.

۱- مفهوم محاسبه خسارت

۱- خسارت و جبران آن

۱-۱. اسناد بین المللی

در صورت نقض قرارداد و عدم انجام تعهد از سوی یکی از طرفین و همچنین تحقق ارکان و شرایط مسئولیت قراردادی، شخص نقض کننده قاعداً باید جبران خسارت نماید. اکثر موارد نقض قرارداد مانند تحویل دیر هنگام، عدم پرداخت کالا و عدم انطباق کالا با مشخصات، به نوعی زیان اقتصادی ایجاد می نماید (Indira carr,2005:85).

اصول کلی و اولیه در این مورد این است که هر خسارتی از جمله خسارات ناشی از نقض قرارداد باید جبران شود و زیان دیده از نقض قرارداد حتی الامکان باید در شرایط اجرای کامل و صحیح قرار گیرد (Treitel,G.H,1989:75).

لذا می توان گفت خسارت وارده باید به طور کامل جبران گردد و لازمه آن، محاسبه و تقویم آن معادل مبلغی پول است که با انجام آن منفعت مشروع و مورد انتظار شخص زیان دیده تامین می گردد. کنوانسیون بیع بین المللی کالا در ماده ۷۴ خود بیان می دارد: «خسارت ناشی از نقض قرارداد توسط یکی از طرفین عبارت است از مبلغی معادل با زیان، از جمله عدم النفع که طرف دیگر در نتیجه نقض قرارداد متحمل شده است. چنین نقضی نمی تواند از زیانی که نقض کننده در زمان انعقاد قرارداد در سایه امور و وقایعی که او نسبت به آن آگاه بوده یا بایست آگاه می بوده است و به عنوان اثر احتمالی نقض قرارداد پیش بینی کرده یا بایست پیش بینی می کرده است، فراتر رود» ماده مذکور به عنوان مبنای اصل جبران کامل خسارت در کنوانسیون وین شناخته می شود هر چند که این ماده به صراحت به اصل جبران کامل خسارت اشاره نکرده، ولی با دقت در متن و مفهوم ماده می توان این اصل را از مفاد آن استنباط کرد زیرا چنین به نظر می رسد هنگامی که واژه خسارت به صورت عام و مطلق در متن ماده استفاده شده است و حتی عدم النفع را هم مشمول جبران دانسته، لذا می توان بیان کرد که کنوانسیون به دنبال اصل جبران کامل خسارت است به نحوی که شورای کنوانسیون بیع بین المللی کالا (CISG Advisory Council) ماده ۷۴ را بیانگر اصل جبران کامل خسارت اعلام کرده است. اصول حقوق قراردادهای اروپا نیز در ماده ۵۰۲-۹ خود به نحوی به این موضوع پرداخته هر

چند که صراحتاً به اصل جبران کامل خسارت اشاره نکرده است؛ ماده مذکور اعلام می دارد: «اقدام متعارف در پرداخت خسارات، آن میزان خساراتی است که زیان دیده را در نزدیک ترین موقعیت ممکن که او در صورت اجرای کامل قرارداد قرار می گرفت قرار می دهد. این خسارات هم خساراتی که زیان دیده متحمل شده است را در بر می گیرد و هم خساراتی را که او از به دست آوردن آنها محروم شده است». با مطالعه و دقت در این ماده ملاحظه می گردد که خسارت باید به نحوی باشد که تا حد امکان شخص زیان دیده را در موقعیت و وضعیتی قرار دهد که اگر به آن قرارداد عمل می شد از آن برخوردار می گشت، اصل جبران کامل خسارت را مورد پذیرش قرار داده و به رسمیت شناخته است و در حقیقت اصول حقوق قراردادهای اروپا به جای نام بردن و اشاره به اصل جبران کامل خسارات، به تعریف آن روی آورده که به نظر می رسد این امر هم در حد تصریح باشد. اما اصول قراردادهای تجاری بین المللی به صراحت به اصل جبران کامل خسارات اشاره کرده و به دور از هرگونه تفسیر و توجیه می توان این اصل را در ماده ۲-۴-۷ آن مشاهده نمود. ماده مار الذکر بیان می دارد: «۱- طرف زیان دیده به دلیل متحمل شدن صدمات ناشی از عدم اجرا مستحق دریافت غرامت کامل است. این صدمات، هرگونه زیان وارد و هرگونه نفعی را شامل می شود که وی از آن محروم شده است؛ آن هم با احتساب هرگونه نفع مکتسب از طرف زیان دیده که ناشی از اجتناب از هزینه یا صدمه باشد. ۲- صدمه مزبور ممکن است غیرمالی و به عنوان مثال شامل صدمه جسمی یا فشار روحی باشد». البته دریافت غرامت به دلیل صدمه و زیان غیرمادی ممکن است اشکال متفاوتی به خود بگیرد و تصمیم گیری در این خصوص که کدام یک از شکل های مزبور، خواه جمعاً خواه منفرداً، به بهترین وجهی غرامت کامل را تضمین می کند، بر عهده دادگاه است. مطابق اصول قراردادهای تجاری بین المللی دادگاه نه تنها می تواند به پرداخت خسارت رای بدهد، بلکه می تواند دستور دهد که از سایر شکل های جبران ضرر و زیان استفاده شود (اخلاقی؛ امام، ۱۳۸۵: ۲۹۲). البته برخی بر این باورند که قابلیت پیش بینی نوع ضرر کافی است و لازم نیست میزان آن هم قابل پیش بینی باشد (داراب پور، ۱۳۹۱: ۸۴).

به اعتقاد واضعان اسناد بین المللی، محاسبه خسارت ناشی از نقض قرارداد از مهمترین ضمانت های اجرایی تلقی می گردد و یکی از راههای پیش بینی شده در این اسناد برای محاسبه خسارت، اقدام به انجام «معامله جانشین» (Substitute Transaction) و مطالبه تفاوت قیمت قرارداد اولیه و معامله جانشین به عنوان خسارت می باشد که در ماده ۷۵ کنوانسیون بیع بین المللی

کالا، ماده ۵-۴-۷ اصول قراردادهای تجاری بین المللی و ماده ۵۰۶-۹ اصول حقوق قراردادهای اروپا به آن پرداخته شده است.

۲-۱. حقوق ایران

در قوانین موضوعه و مقررات قانونی ایران و به خصوص قانون مدنی، ماده با مواد قانونی صریح و شفافی در مورد روش محاسبه و تقویم خسارات قراردادی دیده نمی شود و رویه چنین است که محاکم و دکترین حقوقی ایران با الهام از قواعد و مقررات مسئولیت مدنی خارج از قرارداد در تلاش برای برطرف کردن خلاء ها و کاستی های موجود در باب مسئولیت قراردادی برآمده اند. چرا که در هر صورت مسئولیت قراردادی نیز چهره ای از مسئولیت مدنی به معنای عام محسوب می گردد (کاتوزیان، ۱۳۷۰: ش ۷۴۸) به غیر از آن که مبنا و ریشه ضمان در مسئولیت های قراردادی تجاوز به تعهد است و شامل قواعد و مقررات عمومی مسئولیت مدنی نمی گردد لذا پیروی و تبعیت از این رویه در برخی موارد با مقصود و اهداف مبانی مسئولیت و در نتیجه جبران خسارات ناشی از قرارداد هم خوانی و سازگاری ندارد زیرا هدف از قواعد و مقررات مسئولیت مدنی بازگشت و اعاده وضعیت شخص متضرر و زیان دیده به حالت قبل از ورود ضرر بوده و این موقعیت مربوط به گذشته است در حالی که هدف و مقصود مسئولیت قراردادی و جبران خسارت، تامین انتظارات مشروع ناشی از قرارداد و منافی است که طرفین قرارداد در صورت اجرای قرارداد به دست می آوردند. لذا با پرداخت خسارت توسط شخص ناقض قرارداد، فرد زیان دیده باید از لحاظ اقتصادی و مالی در حالت و موقعیتی قرار گیرد که در صورت اجرای قرارداد در آن موقعیت قرار می گرفت. با این وجود نظام حقوقی ایران خالی از مقررات محاسبه خسارت قراردادی نیست و در قوانین موضوعه فعلی می توان مواردی را یافت که قانونگذار تا حدودی به روش های محاسبه خسارت پرداخته است از جمله ماده ۲۲۲ قانون مدنی که اجازه ی انجام تعهد توسط متعهدله و مطالبه ی هزینه های آن را می دهد. ماده مذکور اعلام می دارد: «در صورت عدم ایفای تعهد، با رعایت ماده ۲۲۱ قانون مدنی حاکم می تواند به کسی که تعهد به نفع او شده است اجازه دهد که خود او عمل را انجام دهد و متخلف را به تادیه مخارج آن محکوم نماید» همچنین ماده ۲۳۸ قانون مدنی که انجام فعل موضوع تعهد را با رعایت شرایط مقرر از سوی شخص ثالث مورد پذیرش قرار داده بیان می دارد: «هرگاه فعلی در ضمن عقد شرط شود و اجبار ملتزم به انجام آن غیر

مقدور ولی انجام آن به وسیله شخص دیگری مقدور باشد حاکم می‌تواند به خرج ملتزم موجبات انجام آن فعل را فراهم کند» و در نهایت ماده ۴۷ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ موضوع محاسبه خسارت را مدنظر و انجام عمل معین موضوع محکومیت محکوم علیه، توسط شخص ثالث را تجویز نموده است و تمام خسارات ناشی از تاخیر یا عدم انجام تعهد را که ناشی از تقصیر متعهد باشد توسط متعهده قابل مطالبه دانسته. ماده مارالذکر مقرر می‌دارد: «هرگاه محکوم به انجام عمل معینی باشد و محکوم علیه از انجام آن امتناع ورزد و انجام عمل توسط شخص دیگری ممکن باشد، محکوم له می‌تواند تحت نظر دادورز (مامور اجرا) آن عمل را به وسیله دیگری انجام دهد و هزینه آن را مطالبه کند و یا بدون انجام عمل، هزینه لازم را به وسیله قسمت اجرا از محکوم علیه مطالبه نماید. در هر یک از موارد مذکور، دادگاه با تحقیقات لازم و در صورت ضرورت، با جلب نظر کارشناس، میزان هزینه را معین می‌نماید. وصول هزینه مذکور و حق الزحمه کارشناس از محکوم علیه به ترتیبی است که برای وصول محکوم به نقدی مقرر است...». لذا در این ماده، مطالبه هزینه لازم بدون انجام عمل نیز پیش بینی شده که در ماده ۲۳۸ قانون مدنی چنین ضمانت اجرایی دیده نمی‌شود (صفایی، ۱۳۸۲: پاورقی ۱۹۶).

مطالعه و بررسی پیرامون موضوع محاسبه خسارت در قوانین موضوعه ایران علاوه بر موارد فوق الذکر ما را به سمت مواد ۵۱۵ و ۵۲۰ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ نیز سوق می‌دهد که در آن قانونگذار مطالبه خسارت ناشی از تاخیر یا عدم انجام تعهد را به صورت صریح مورد پذیرش و حکم قرار داده است. همچنین ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی در مقام محاسبه میزان خسارت اعلام داشته: «دادگاه میزان زیان، طریقه و کیفیت جبران آن را با توجه به اوضاع و احوال قضیه تعیین خواهد کرد». لذا پرداخت پول شایعترین وسیله جبران خسارت است (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ش ۸۰۶).

۳-۱. حقوق انگلیس و فرانسه

در حقوق کامن لا از قدیم الایام نظریه ای وجود داشت تحت عنوان «نقض عهد کارا»^۱ که بر طبق آن شخص متعهد این اختیار را داشت که به تعهد قراردادی خود عمل نکند، به شرط آنکه هرگونه خسارتی که به طرف دیگر قرارداد یعنی متعهده وارد شده است را جبران نماید. با این استدلال که هرگاه شخص متعهد احساس کند که انعقاد قرارداد با شخص دیگری می‌تواند سود و منفعت بیشتری

را برای او به دنبال داشته باشد، لذا مجاز است که تعهد را نقض کند و وارد قرارداد دیگری بشود که نفع و منفعت بیشتری را برای او به ارمغان آورد در نتیجه هم شخص متعهد منفعت مناسبی را به دست می آورد و هم با تولید ثروت و رونق کسب و کار، کل جامعه منتفع می گردد. متعهدله قرارداد اول هم که به واسطه نقض تعهد دچار ضرر و زیان شده است این حق را دارد که برای جبران خسارت به طرف دیگر قرارداد یعنی متعهد رجوع نماید و متعهد نیز موظف است کلیه خسارات متعهدله قرارداد اول را جبران نماید (1998:49) (Bell, John and others,

در تحلیل این نظریه می توان گفت هر چند که نظریه فوق دعوی الزام به انجام تعهد را قلیل قبول و پذیرش نمی داند و از این جهت قلیل انتقاد است اما به صراحت نشان می دهد که اصل جبران کامل خسارت از قدیم در نظام حقوقی کامن لا و حقوق انگلیس وجود داشته است. با این وجود چنین بیان شده است که در حقوق کامن لا دو هدف و مقصود برای جبران خسارت قراردادی پیش بینی شده است: اولین هدف بازگرداندن شخص زیان دیده به وضعیتی است که تعهد انجام شده و دومین هدف بازگرداندن وضع شخص زیان دیده به حالت قبل از انعقاد قرارداد می باشد (رنجبر، ۱۳۹۱: ۵۹). با دقت در اهداف گفته شده چنین به نظر می رسد که هدف اول با اصل جبران کامل خسارات تطابق دارد؛ اما دومین هدف با اصل جبران کامل خسارات متعارض است؛ به این دلیل که مقصود از جبران کامل خسارات این است که شخص متضرر و زیان دیده در حالتی قرار گیرد که به منفعت متوقع و سود مدنظر از قرارداد دست پیدا نماید و آنچه از قرارداد باید نصیب او می شد در راستای اصل جبران کامل خسارات باید به وی پرداخت گردد؛ لذا هدف از جبران خسارات ناشی از نقض قرارداد آن است که طرفین عقد را در موقعیتی قرار دهد که در صورت اجرای عقد در آن قرار می گرفتند (موسوی، ۱۳۹۰: ۲۴۵). در نظام حقوقی فرانسه نیز مواد ۱۱۴۹ و ۱۱۵۰ قانون مدنی این کشور، به عنوان مستند اصل جبران کامل خسارات محسوب می شوند، به نحوی که این مواد قانونی هم ضرر واقعی و هم عدم النفع را قابل مطالبه می دانند (Bell, John and others, 1998:349) به شرط آن که این ضررها قابل پیش بینی باشند. حتی بر فرض قابلیت پیش بینی ضرر، یک استثناء بر آن وارد شده است که در آن، شخص مدیون مسئول کلیه خسارات وارده و همچنین عدم النفع اعم از پیش بینی شده و یا پیش بینی نشده قلمداد گردیده و آن در حالتی است که شخص مدیون مرتکب تقصیر عمدی (که تقصیر سنگین هم ملحق به آن است) شده باشد (صفایی و دیگران، ۱۳۹۲: ۳۶۴).

۲- جایگاه معامله جانشین

۲-۱. جایگاه معامله جانشین در کنوانسیون بیع بین المللی کالا (CISG)

اجازه انجام معامله جانشین برای شخص زیان دیده از قرارداد اولیه به عنوان یکی از روش های محاسبه خسارت در کنوانسیون بیع بین المللی کالا به صراحت مورد پذیرش قرار گرفته و ماده ۷۵ این کنوانسیون بیان می دارد: «چنانچه قرارداد فسخ شده باشد و پس از آن خریدار به شیوه ای متعارف و ظرف مدت معقولی، کالای دیگری به جای مبیع خریدار باشد یا فروشنده مبیع را به دیگری فروخته باشد، طرفی که مدعی خسارت است می تواند تفاوت بین قیمت قرارداد با قیمت معامله جانشین را ... مطالبه نماید»^(۱) مطابق ماده فوق شرط لازم برای اعمال این ماده و مطالبه خسارت، تحقق و انجام معامله جانشین است آن هم به شیوه ای متعارف و در مدت زمانی معقول (متعارف) و صرف امکان وقوع معامله جانشین در آینده یا تصمیم برای انجام آن کفایت نمی کند. با دقت در این ماده می توان گفت کنوانسیون در نظر دارد تا شخص زیان دیده از نقض قرارداد را در موقعیتی قرار دهد که در صورت اجرای کامل قرارداد اولیه در آن موقعیت قرار می گرفت. لذا هدف و مقصود ماده ۷۵ کنوانسیون تامین منافع زیان دیده از نقض یا همان چیزی است که با عنوان «منفعت مورد انتظار» شناسایی شده است (Anson, 1998:564). در نتیجه می توان گفت اگر قرارداد منعقد شده بین طرفین معامله به فرض این که توسط شخص متعهد نقض گردد و اجرایی نشود، چنانچه شخص متعهدله نسبت به تامین منافع مورد انتظار از قرارداد اقدام نماید، قوانین و مقررات مربوط به کنوانسیون بیع بین المللی کالا در بحث جبران خسارت به منظور حمایت متعارف از وی وارد عمل می شوند. لذا بر اساس همین پشتوانه در صورت نقض قرارداد اولیه و به دنبال آن انجام معامله جانشین توسط متعهدله به شیوه و روش متعارف؛ مشارالیه می تواند این انتظار را داشته باشد که خسارت وارد شده بر او بر اساس معامله جانشینی که انجام داده است مورد ارزیابی و محاسبه قرار گیرد و نهایتاً این خسارت جبران شود. فرض مطرح شده ی فوق هم در مورد شخص خریدار و هم در مورد شخص فروشنده موضوعیت و مصداق دارد. چنانچه شخص متضرر و زیان دیده از نقض قرارداد خریدار باشد، مشارالیه این حق را دارد که مابه التفاوت قیمت خرید مربوط به قرارداد اولیه و معامله جانشین را در صورتی که قیمت خرید بالاتر از قیمت قرارداد اولیه بوده، در قالب خسارت دریافت نماید و متقابلاً چنانچه فرد متضرر و زیان دیده از نقض قرارداد فروشنده باشد، وی نیز استحقاق

دارد که مابه التفاوت قیمت قرارداد اولیه و معامله جانشین را در صورتی که قیمت معامله جانشین پایین تر از قرارداد اولیه باشد به عنوان خسارت وارده بر خود مطالبه کند.

موارد نقض اساسی قرارداد توسط شخص متعهد در مواد ۴۹ و ۶۴ کنوانسیون و خسارت‌های مربوط به این نقض که شامل مبلغی پول برابر ضرر می باشد در ماده ۷۴ کنوانسیون مطرح شده است و در صورتی که شخص زیان دیده مطابق ماده ۷۵ کنوانسیون اقدام به معامله جانشین ننماید می تواند از روش دیگری اقدام به مطالبه خسارت کند و آن هم اعمال ماده ۷۶ کنوانسیون می باشد.

۲-۲. جایگاه معامله جانشین در اصول قراردادهای تجاری بین المللی (UPICC)

مقررات مربوط به نقض قرارداد که شامل عدم اجرای تعهدات قراردادی و اجرای معیوب و ناقص یا همراه با تاخیر نیز می گردد در ماده ۱-۱-۷ اصول قراردادهای تجاری بین المللی و حق مطالبه خسارت به طور انحصاری یا به همراه هر طریق جبرانی دیگر در ماده ۱-۴-۷ این اصول گنجانده شده و در ادامه نیز ماده ۲-۴-۷ به عنوان یک فرمول کلی جهت تقویم و ارزیابی خسارت در اصول فوق مورد تصریح قرار گرفته است تا شرایط برای انجام معامله جانشین در این سند بین المللی فراهم گردد.

ماده ۵-۴-۷ اصول قراردادهای تجاری بین المللی به صراحت در خصوص معامله جانشین مقرر می دارد: «هنگامی که طرف زیان دیده، به قرارداد خاتمه داده و در طی مدتی متعارف و به طریقی معقول، معامله جانشین منعقد کرده باشد، می تواند مابه التفاوت مبلغ قراردادی و مبلغ معامله جانشین و نیز خسارات ناشی از هر صدمه دیگری را وصول کند»^(۱) نویسندگان این سند بین المللی نیز همانند کنوانسیون بیع بین المللی کالا انجام معامله جانشین پس از خاتمه قرارداد اولیه، در مدتی متعارف و به طریقی معقول را ملاک اعمال ماده ۷-۴-۵ و مطالبه خسارت قرار داده اند. لازم به ذکر است در صورتی که زیان دیده مطابق مقررات فوق معامله جانشین منعقد نکرده باشد می تواند به ماده ۶-۷-۴ متوسل شود و از راه دیگری مطالبه خسارت نماید.

۲-۳. جایگاه معامله جانشین در اصول حقوق قراردادهای اروپا (PECL)

مقررات کلی ناظر بر نقض تعهدات قراردادی و روش های جبران خسارت را در مواد ۱۰۱-۸ به بعد اصول حقوق قراردادهای اروپا می توان یافت. از جمله

اینکه نویسندگان این اصول در بند ۱ ماده ۸-۱۰۱ این حق را داده اند که در صورت غیرموجه بودن عدم اجرای تعهدات قراردادی توسط متعهد، شخص زیان دیده بتواند به هر یک از روش های جبران خسارت استناد نماید.

ماده ۹-۵۰۲ نیز فرمول کلی برای محاسبه خسارت را بیان کرده که به موجب آن میزان خسارت مبلغی دانسته شده که متضرر قرارداد را تا جایی که ممکن است در وضعیتی قرار دهد که اگر قرارداد به درستی اجرا می شد شخص در آن وضعیت قرار می گرفت. این همان هدفی است که کنوانسیون بیع بین المللی کالا دنبال می کند؛ یعنی اعاده وضع زیان دیده از نقض قرارداد به وضعیتی که در صورت اجرای کامل و بدون نقص قرارداد در آن وضعیت قرار می داشت (Anson, 1998: 565, 568).

لذا با عنایت به موارد فوق و در راستای جبران کامل خسارت زیان دیده و اعاده به وضع سابق، واضعان این سند بین المللی در ماده ۹-۵۰۶ اصول حقوق قراردادهای اروپا به صراحت انجام معامله جانشین را مورد پذیرش و اشاره قرار داده اند: «در صورتی که طرف متضرر، به قرارداد خاتمه داده باشد و در مدتی متعارف و به طریقی معقول معامله جانشین را متعقد نموده باشد، می تولد تفاوت مبلغ قرارداد و مبلغ معامله جانشین را به علاوه خسارات دیگر تا حدی که به موجب مقررات این گفتار قابل مطالبه باشد، وصول نماید»^(۱)

۳- شرایط انجام معامله جانشین

در اسناد بین المللی یکی از روش هایی که به وسیله آن می توان میزان خسارت را محاسبه و مطالبه کرد، استفاده از معامله جانشین است و این معامله باید شرایط لازم را داشته باشد تا بتوان مابه التفاوت قیمت قرارداد اولیه و قرارداد جانشین را مطالبه کرد و اگر معامله مذکور فاقد این شرایط باشد، شخص زیان دیده از نقض قرارداد اولیه در راستای جبران کامل خسارت می تواند به سایر روش های مذکور در اسناد بین المللی متوسل شود. شرایط مورد اشاره عبارتند از:

۳-۱. فسخ قرارداد اولیه

در فرضی که قرارداد اولیه توسط یکی از طرفین نقض می گردد و به عبارتی موجبات فسخ قرارداد را فراهم می آورد؛ شخص زیان دیده از نقض برای انجام معامله جانشین و به عبارتی فروش یا خرید مجدد می بایست نظر خود مبنی بر فسخ قرارداد به دلیل نقض تعهد را به طرف دیگر یعنی متعهد اعلام نماید.

لذا متعاقب نقض قرارداد اولیه و اعلان فسخ آن، شخص زیان دیده قصد خود مبنی بر فروش یا خرید جانشین را به طرف مقابل اعلام و اخطار می نماید (Honnold, 1991: 508,509). لازم به ذکر است اسناد بین المللی چنین تکلیفی را به صراحت بر دوش شخص زیان دیده قرار نداده اند، اما با در نظر گرفتن رویه تجاری معمول و عرف و عادت بین تجار و همچنین بر اساس اصل حسن نیت می توان چنین امری را استنباط کرد. در نتیجه ضروری است شخص متعهدله یا به عبارتی شخص زیان دیده از قرارداد، فسخ قرارداد اولیه را که توسط متعهد نقض گردیده است به ایشان اعلام و پس از آن نسبت به خرید یا فروش مجدد و به اصطلاح معامله جانشین اقدام نماید. به عبارت دیگر، معامله جانشین به دنبال فسخ قرارداد اولیه واقع می شود و این فسخ قرارداد است که عدم اجرای آن را آشکار می نماید و انجام معامله جانشین هنگامی موضوعیت و مصداق پیدا می کند که قرارداد اولیه منتهی شده باشد و تا وقتی قرارداد اولیه فسخ نشده است می بایست به آن پایبند بود زیرا حقوق و تعهدات قراردادی بین طرفین معامله علی الخصوص نسبت به مالکیت کالا همچنان برقرار است و آزادی عمل طرفین را محدود می سازد.

۲-۳. متعارف بودن معامله جانشین

در اسناد بین المللی شکل و قالب خاصی برای وصف متعارف بودن معامله جانشین در نظر گرفته نشده اما به نظر می رسد که شخص زیان دیده در هنگام انعقاد قرارداد جانشین می بایست مانند یک تاجر متعارف رفتار نماید و الزامات و ضرورت های یک معامله را مدنظر قرار دهد. لذا خریداری که معامله جانشین انجام می دهد باید تلاش نماید که به پایین ترین قیمت ممکن خریداری کند و از طرف دیگر شخص فروشنده نیز سعی کند به بالاترین قیمتی که امکان دارد کالای خود را بفروشد تا مابه التفاوت قیمت قرارداد اولیه و قرارداد جانشین به حداقل برسد و خسارت تقلیل پیدا کند. در نتیجه حتی المقدور باید سعی شود که معامله جانشین در همان محل اجرای قرارداد اولیه صورت پذیرد تا هزینه های مربوط به حمل و نقل کالا، مخارج تسلیم یا قبض آن، بیمه و سایر هزینه ها و خدمات اضافی منتفی گردد. برای متعارف بودن معامله جانشین قاعدتاً این معامله باید از نظر نوع کالا، کیفیت و سایر موارد مشابه و نزدیک به قرارداد اولیه باشد هر چند در عمل ممکن است استثنائاتی وجود داشته باشد مانند یافت نشدن مثل کالا در بازار و ناگزیر بودن خریدار به خرید کالای مشابه، اما صرف

یکسان نبودن دو معامله یا وجود تفاوت، دلیلی بر نامتعارف بودن روش انجام معامله نخواهد بود. برخی مواقع این امکان وجود دارد که مابه التفاوت قیمت معامله جانشین بنا به دلایلی از قبیل خدمات اضافی مانند خدمات پس از فروش یا وجود تسهیلات و امتیازهایی مانند مدت دار بودن پرداخت ظاهراً بالاتر از قیمت عرفی و رایج بازار باشد و به نظر می رسد این تفاوت قیمت به دلیل تسهیلات و خدمات ذکر شده موجه و معقول باشد زیرا در خصوص انجام معامله جانشین باید تمام شرایط را به صورت جمعی در نظر گرفت و ضرورتی ندارد که هریک از طرفین در سودآورترین حالت ممکن اقدام به معامله نمایند. آنچه انتظار می رود رفتار متعارف در انجام معامله جانشین است (بهمنی، ۱۳۸۶: ۸۲-۳۹).

۳-۳. انجام شدن معامله جانشین ظرف مدت معقول

اسناد بین المللی در موادی که به آنها پرداخته شد، شرط انجام معامله جانشین ظرف مدت زمان معقول و متعارف را مورد نظر قرار داده اند. اما لازم به ذکر است که مدت زمان معقول و طول اجرای قرارداد جانشین یک امر سیال و نسبی است و به اوضاع و احوال خاص هر معامله بستگی دارد. به عنوان نمونه نوع کالا، اهداف خرید قرارداد اصلی عواملی مانند دسترسی به بازار و امکان دستیابی به کالای جایگزین است که در تعیین مدت معامله مؤثر است (Saidav, 2008: 197).

بر این اساس، در صورتی که بازارپذیری محصول و نقدینگی آن در بازار بالا باشد، انتظار می رود معامله جایگزین در مدت زمان کوتاه تری نسبت به موارد مربوط به مشکل خرید و فروش محصول در بازار انجام شود. با این حال، استانداردهای خاصی در این زمینه وجود ندارد و رویه تجاری در هر مورد نقش تعیین کننده ای دارد..

۳-۴. انجام معامله جانشین با حسن نیت

هرچند مواد اسناد بین المللی به وضوح بر ضرورت رعایت حسن نیت در برخورد با یک جایگزین تأکید نمی کند، ولی مطابق با قوانین این اسناد و سایر مقررات مندرج در آن، در قرارداد حسن نیت سازی کنید. ماده ۷ کنوانسیون بیع بین المللی کالا در بند اول اشاره به حسن نیت دارد، ولی اصل حسن نیت نباید به تفسیر کنوانسیون محدود شود. این ماده یکی از مقررات اصلی حاکم بر تمامی

جنبه های کنوانسیون از جمله تفسیر، انعقاد و اجرای معاهده است (صفایی و دیگران، ۱۳۹۲: ۴۴).

ماده ۱-۱۰۶ اصول حقوق قراردادهای اروپا به لزوم و نیاز بکارگیری اصل حسن نیت در تفسیر مفاد این اصول اشاره دارد. مجدداً، ماده ۱-۲۰۱ به تعهدات طرفین متعاقد برای رعایت این اصول در حین انجام تعهدات اشاره دارد. بر اساس تفسیر رسمی ماده ۱-۲۰۱، حسن نیت در اصول حقوق قراردادهای اروپایی به عنوان یک تکلیف حسنه شناخته شده است که نه تنها هنگام انعقاد قرارداد رعایت می شود، بلکه طرفین باید در انجام وظایف خود نیز به آن توجه داشته باشند (Lando, Beal, 2000: 113).

به اصل حسن نیت و لزوم رعایت آن در اصول قراردادهای تجاری بین المللی، به خصوص در ماده ۲-۱-۵ و ماده ۱-۷، اشاره شده است. این اصول تاکید می کند که در تجارت بین الملل، هر طرف قرارداد باید صادق و منصف باشد. در حقوق ایران عمل حسن نیت به صورت پایبندی به سنت ها و آداب و رسوم بیان می شود (قاسم زاده، ۱۳۸۳: ۳۶۹). بعلاوه، اصل حسن نیت در قانون تجارت الکترونیک مورد تاکید قرار گرفته و در ماده ۳ این قانون بر لزوم رعایت آن تاکید شده است. بنابراین اصل حسن نیت باید در حقوق قراردادها مانند ایران پذیرفته شود (علیدوستی شهرکی، ۱۳۹۴: ۲۰۴).

۴- مطالعه تطبیقی معامله جانشین

۴-۱. معامله جانشین در حقوق انگلیس

یکی از اهداف مورد نظر جبران خسارت در نظام حقوقی کامن لا، اعاده آسیب دیده به حالت ابتدایی است که در صورت انجام تعهد حاصل می شد (رنجبر، ۱۳۹۱: ۵۹). مقصود از جبران نقض قرارداد، قرار دادن طرفین قرارداد در موقعیتی است که اگر قرارداد به درستی اجرا می شد، قرار می گرفت (موسوی، ۱۳۹۰: ۲۴۵). براین اساس، برآورد خسارت به وجود آمده از نقض قرارداد در سیستم حقوقی انگلیس مشابهت بسیاری به اسناد بین المللی دارد. در این کشور دو راه برای دریافت غرامت برای طرفین وجود دارد. حالت اول زمانی است که یکی از تعهدات قراردادی اصلی نقض شود. در چنین حالتی زیان دیده حق فسخ قرارداد و درخواست خسارت را دارا می باشد. (صفایی و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۷۷).

در حقوق کامن لا، از قبیل انگلیس، یک روش عمده وجود دارد که به فردی که در اثر نقض قرارداد آسیب دیده است، اجازه می دهد به جای غرامت اقدام کند. به عقیده نویسندگان حقوق انگلیس، تشکیل قرارداد قابل تعویض خود منجر به

انحلال قرارداد و استرداد مال کالا به فروشنده می شود که سپس به خریدار دوم منتقل می شود. (Benjamin, 1987: 719).

۲-۴. معامله جانشین در حقوق فرانسه

در مقررات و قوانین فرانسه، به شکل ویژه به محاسبه خسارت از راه معامله جانشین و شرایط مورد نیاز جهت آن پرداخته نشده است. تا کنون، تعدادی از حقوق دانان معتقدند که سیستم حقوقی فرانسه با این رویکرد مساعد است. به این خاطر، آرای هم در دفاع از این تمایل و نظر صادر شده که به فروشنده یا خریدار متأثر از فسخ قرارداد اجازه می دهد با در نظر گرفتن شرایط ذکر شده در جلسه معامله را ادامه دهد؛ از جمله منظم بودن معاملات و تکمیل به موقع آنها (Hue`t, Je`rom 1996: 568).

برابر ماده ۱۱۸۴ قانون مدنی فرانسه، حق فسخ معامله و پس از احراز شرایط لازم دادگاه حکم به فسخ معامله و استرداد دیه داد. پس از این مرحله خریدار یا فروشنده می تواند همان کالا را بخرد یا دوباره بفروشد و مابه التفاوت را بخواهد (صفایی، ۱۳۷۵: ۵۸).

۳-۴. معامله جانشین در حقوق ایران

در سیستم حقوقی ایران، بر عکس اسناد بین المللی، ماده یا حکمی صریحی در خصوص معامله جانشین موجود نیست. بر این اساس، دکترین حقوقی و دادگاه های ما به طور معمول جهت سنجش و برآورد خسارت قراردادی از مقررات و قوانین مسئولیت مدنی به کار می برند. در هر صورت، مسئولیت قراردادی شکلی از مسئولیت مدنی محسوب می گردد (کاتوزیان، ۱۳۷۰: ش ۷۴۸). با بررسی دقیق مقررات گوناگون، مواردی است که می توان به با تکیه به آنها امکان انجام معامله جانشین در حقوق ایران نام برد.

طبق ماده ۲۲۲ قانون مدنی، متعهدله حق دارد عمل موضوع تعهد را به جای شخص متعهد متخلف انجام دهد و هزینه های آن را از وی مطالبه کند. همچنین، ماده ۲۳۸ این قانون اجازه می دهد که عمل موضوع تعهد توسط متعهدله به جانشینی از متعهد و به هزینه او انجام شود. در سطح وسیع تر، ماده ۴۷ قانون اجرای احکام مدنی علاوه بر شرط فعل، انجام عمل معین موضوع محکومیت محکوم علیه ممتنع را توسط شخص ثالث مجاز دانسته و خسارت ناشی از تأخیر یا عدم انجام تعهد که ناشی از تقصیر خواننده باشد، قابل مطالبه اعلام کرده است. همچنین، ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی نسبت به اختیار دادگاه در مورد روش

جبران خسارت در مسئولیت قراردادی نیز قابل اجراست (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۲۲۳). همچنین، مواد ۵۱۵ و ۵۲۰ قانون آیین دادرسی مدنی هم به درخواست آسیب به وجود آمده از تأخیر یا عدم انجام تعهد می پردازند. برای این اساس، می توان بیان نمود که در وضعیتی که بائع به تعهد خود در مورد تحویل کالای فروخته شده عمل نمی کند یا مشتری در خصوص قبض آن عمل نمی نماید و اجبار فرد متعهد هم بدون حاصل باشد، طرف مقابل دارای این حق است که مبادرت به عمل معامله جانشین نماید و هزینه های آن را از فرد متخلف درخواست نماید.

نتیجه :

گونگونگی روش ها و عدم هماهنگی در نظام های حقوقی مربوط با قراردادهای بین المللی و تعهدات به وجود آمده از آنها، در انتها منجر به تدوین اسناد بین المللی شد تا رویه ای واحد ایجاد گردد. کنوانسیون بیع بین المللی کالا، اصول قراردادهای بازرگانی بین المللی و اصول حقوق قراردادهای اروپایی به عنوان سه سند مهم این اختیار را به فردی که متحمل نقض قرارداد شده است، داده است که تصمیم به مطالبه غرامت بگیرد. خسارت وارد کرده و روش های مربوطه را انتخاب کنید. یکی از این روش ها اقدام زیان دیده برای انجام معامله جایگزین است که او را قادر می سازد در حالت یکسانی قرار گیرد که گویی قرارداد ابتدایی به شکل صحیح اجرا شده است. با وجود این، این اختیار آسیب دیده جهت انجام معامله جانشین مشروط به تحقق شرایط و عملیات آن در مدت معقول و بر اساس اصل حسن نیت است.

در ماده ۷۵ کنوانسیون بیع بین المللی کالا، ماده ۵-۴-۷ اصول قراردادهای بازرگانی بین المللی و ماده ۵۰۶-۹ اصول حقوق قراردادهای اروپا، انجام معامله جانشین صریحاً مجاز محسوب کرده است. علاوه بر این، در حقوق انگلیس از گذشته روش کلی موجود بوده که مجوز انجام معامله جانشین را صادر نموده است. ولی در قوانین فرانسه، به شکل خاص به معامله جانشین ذکر نشده است؛ اگر چه تعدادی از محققین معتقدند که نظام حقوقی این کشور با برآورد خسارت با الگوی معامله جانشین مطابقت دارد.

در نظام حقوقی ایران، بر عکس اسناد بین المللی، متن روشنی جهت انجام معامله جانشین حاکم نیست. مقنن و محققین حقوقی ما اغلب بر مقررات و قواعد مسئولیت مدنی، اتلاف و تسبیب، غصب توجه نموده اند و دادگاه ها هم به طور معمول از این مقررات جهت مسئولیت قراردادی بکار می گیرند. به هر حال، در قوانین موضوعه ما مقرراتی وجود دارد که با اصل موضوع از آنها می توان به قبول و به کار گیری معامله جانشین در نظام حقوقی ایران ذکر نمود. برای نمونه، ماده ۲۲۲ قانون مدنی حق متعهدله را جهت اعمال کار موضوع تعهد به جای متعهد متخلف و به هزینه های او مجاز دانسته است. و نیز، ماده ۲۳۸ قانون مدنی اجازه می دهد که فعل موضوع تعهد توسط متعهدله به جانشینی از متعهد و به هزینه او انجام شود. علاوه بر این، ماده ۴۷ قانون اجرای احکام مدنی انجام عمل معین موضوع محکومیت را توسط شخص ثالث مجاز می شمارد. بالاخره، ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی این اختیار را به محاکم می دهد تا معقول ترین شیوه جهت برآورد و جبران خسارت استفاده کند.

منابع:

الف- فارسی

- ۱- اخلاقی، بهروز؛ امام، فرهاد، (۱۳۸۵)، اصول قراردادهای تجاری بین المللی، چ ۲، تهران: انتشارات شهر دانش.
- ۲- داراب پور، مهرباب (۱۳۹۱)، تفسیری بر حقوق بیع بین المللی، ج ۳، چ ۲، تهران: انتشارات گنج دانش.
- ۳- رنجبر، مسعود رضا، (۱۳۹۱)، تعیین خسارت ناشی از نقض قرارداد، چ ۲، تهران: انتشارات میزان.
- ۴- صفایی، حسین (۱۳۸۲)، دوره مقدماتی حقوق مدنی، ج ۲، چ ۱، تهران: انتشارات میزان.
- ۵- صفایی، حسین؛ کاظمی، محمود؛ عادل، مرتضی؛ میرزا نژاد، اکبر (۱۳۹۲)، حقوق بیع بین المللی، چ ۴، تهران: انتشارات تهران.
- ۶- صفایی، حسین (۱۳۷۵)، مجموعه مقالات حقوق مدنی قواعد عمومی قراردادها، ج ۲، چ ۱، تهران: انتشارات میزان.
- ۷- قاسم زاده، مرتضی، (۱۳۸۳)، اصول قراردادها و تعهدات، تهران: انتشارات نشر دادگستر.
- ۸- علیدوستی شهرکی، ناصر (۱۳۹۴)، حقوق سرمایه گذاری خارجی، چ ۲، تهران: انتشارات خرسندی.
- ۹- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۰)، ضمان قهری-مسئولیت مدنی، ج ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۰- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷)، قانون مدنی در نظم کنونی، چ ۲، تهران: نشر دادگستر.
- ۱۱- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۴)، قواعد عمومی قراردادها، ج ۴، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ۱۲- موسوی، مهدی (۱۳۹۰)، ترجمه قواعد حقوق قرارداد انگلستان از نگاه رویه قضایی، راف آنه، چ ۲، تهران: انتشارات میزان.
- مقاله: ۱۳- بهمنی، محمد، (۱۳۸۶)، «مروری بر شیوه های خاص ارزیابی خسارت قراردادی با تکیه بر مواد ۷۵ و ۷۶ کنوانسیون بیع بین المللی کالا و حقوق ایران»، تحقیقات حقوقی آزاد دانشگاه آزاد، ش ۱، صص ۳۹-۸۲.

14. Anson, (1998), "Law of contract", Oxford
15. Benjamin, Benjamin, (1987), "Sale of goods", Third edition, London, sweet & Maxwell publishing.
16. Bell, John And Others, (1998), "Principels Of French Law", London, Oxford University Press.
17. Honnold, John O, (1991), "Uniform Law For International Sales Under the 1980 United Nations Convention", Kluwer Law and Taxation Publisher, Deventer Boston.
18. Hue't, Je'rome, (1996), "Droit Civil", les principaux contracts sp`siaux, sous La direction de jacquese Ghestin, N 11768. L.G.D.J. Paris.
19. Indira carr, (2005), "International Trade Law", Cavendish publishing.
20. Lando & Beale, (2000), "The Principles of European Contract Law", prepared by the commission on European Contract Law, Kluwer Law International, The Hague.
21. Saidav, Djakhongir, (2008), The Law of damages in the international sale of goods, North America (US and Canada), Hart publishing.
22. Treitel. G.H, (1989), "Remedies for Breach of Contract 1988A comparative Account", Clarendon press, Oxford.